

روابط میان ملّتی می تواند راهگشایی عملی و نظری برای اجرای بهتر نظریهٔ گفت‌وگوی تمدن‌ها تلقی شود.

### مقدمه:

در مجموعهٔ مطالعاتی که در زمینهٔ مسائل بین‌المللی و حوزهٔ روابط بین‌الملل صورت گرفته است، نقطهٔ تأکید عمدتاً بر بازیگران اصلی و سنتی روابط بین‌الملل یعنی دولت‌ها بوده است؛ این در حالی است که در گذشتهٔ دور و نزدیک و بویژه در شرایط جدید بین‌المللی، بازیگران دیگری نیز در سیاست خارجی کشورها و مسائل بین‌المللی نقش آفرینی کرده‌اند و می‌کنند. دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی بعنوان بازیگران سنتی و دائمی روابط بین‌الملل تلقی می‌شوند، ولی در این میان، افراد حقیقی، شخصیت‌های حقوقی خصوصی مانند سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های علمی، هنری یا پژوهشی، شرکت‌های تجاری یا خدماتی که بازتاب فعالیت آنها به مرزهای ملی محدود نمی‌شود نیز بازیگران میان‌ملّتی (Transnational) شمرده می‌شوند.

در این مقاله می‌کوشیم بحثی نظری، البته مقدماتی، پیرامون بازیگران میان‌ملّتی داشته باشیم و دیدگاه برخی از صاحب‌نظران را در ارتباط با روابط میان‌ملّتی بررسی کنیم. نباید از یاد برد که در متون تئوریک روابط بین‌الملل تاکنون مباحث جامع و کافی در خصوص روابط میان‌ملّتی و آثار آن بر مسائل بین‌المللی صورت نگرفته است. به‌همین علت، در این مقاله کوشیده شده است پیش‌درآمدی بر این موضوع پژوهشی عرضه گردد و توجه محققان گرامی در کشور به اهمیت مسائل روابط میان‌ملّتی معطوف شود.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون سردمدار نظریهٔ گفت‌وگوی تمدن‌ها برای ورود به قرن بیست‌ویکم و هزارهٔ سوم میلادی است و تحقق این نظریه در پرتو تعاملات میان‌تمدنی و میان‌ملّتی امکان‌پذیر است؛ لذا کنکاش نظری در خصوص مباحث

### نقش روزافزون بازیگران میان‌ملّتی:

امروزه با توجه به گسترده‌گی فن‌آوری ارتباطات که جهانی شدن ارزش‌ها و فرهنگ‌ها را به‌دنبال دارد، شاهد نقش روزافزون بازیگران میان‌ملّتی هستیم. در دنیای امروز، همهٔ دولت‌ها تحت تأثیر صنعت جهانگردی، نقل و انتقال سرمایه‌ها، تبادلات کالا توسط بخش خصوصی، تبادل عقاید و اندیشه‌ها میان ملّتها هستند و نمی‌توانند نسبت به این عوامل که تعادل اقتصادی، وحدت و ثبات پولی، و جوهرهٔ اجماع ملی و ارزشهای نهادینهٔ جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌تفاوت باشند.<sup>۱</sup> عناصر متعددی از جمله فرد یا شرکتی که اقدام به سرمایه‌گذاری در یک کشور خارجی می‌کند، مؤسسه‌ای که کتابی را در خارج منتشر می‌سازد، مبلغی مذهبی که به انگیزهٔ تبلیغ دین در مأموریت‌ها فرهنگ ملی خود را نیز رواج می‌دهد، یا شبکه‌های اطلاع‌رسانی چاپی، دیداری و شنیداری و رایانه‌ای، همگی بازیگران غیردولتی هستند که سخت بر تعاملات میان‌ملّتی و دولت‌ها اثر می‌گذارند و گسترده‌تر شدن فعالیت روزافزون آنها، نظام بین‌المللی جدیدی را نوید می‌دهد که در آن بازیگران، دیگر محدود به دولت‌ها نیستند.

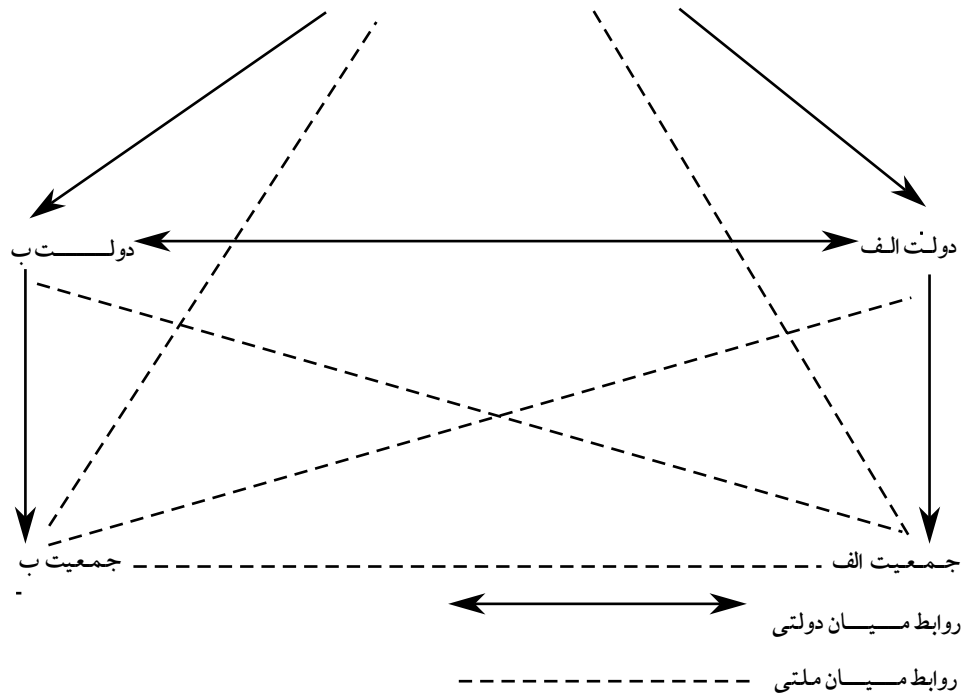
### دیدگاه‌های موجود:

امروزه نظریه‌پردازان زیادی انحصار حوزه روابط بین‌الملل به روابط میان‌دولتی (Inter-étatique) را مورد تردید قرار داده‌اند و در مباحث خود از وجود حوزهٔ جدیدی بعنوان روابط میان‌ملّتی (Transnational) دفاع می‌کنند. ماکس گونل<sup>۲</sup>،

# بازیگران میان ملّتی در روابط بین الملل

دکتر مجید بزرگمهری  
عضو هیئت علمی دانشگاه  
بین‌المللی امام خمینی (ره)

سازمان بین المللی دولتی



○ امروز ایران سردمدار نظریه گفت و گوی تمدن‌ها برای ورود به هزاره سوم میلادی است. تحقق این نظریه در پرتو تعاملات میان تمدنی و میان ملتی امکان پذیر است.

وابستگی می‌راند؛<sup>۴</sup> افزایش توان برخی از حکومت‌ها برای اثرگذاری بر سایر حکومت‌ها از مجرای روابط میان ملتی؛<sup>۵</sup> ظهور بازیگران خودمختار با سیاست‌های خارجی خاص خود که می‌توانند سیاست‌های دولتی را تحت الشعاع قرار دهند.

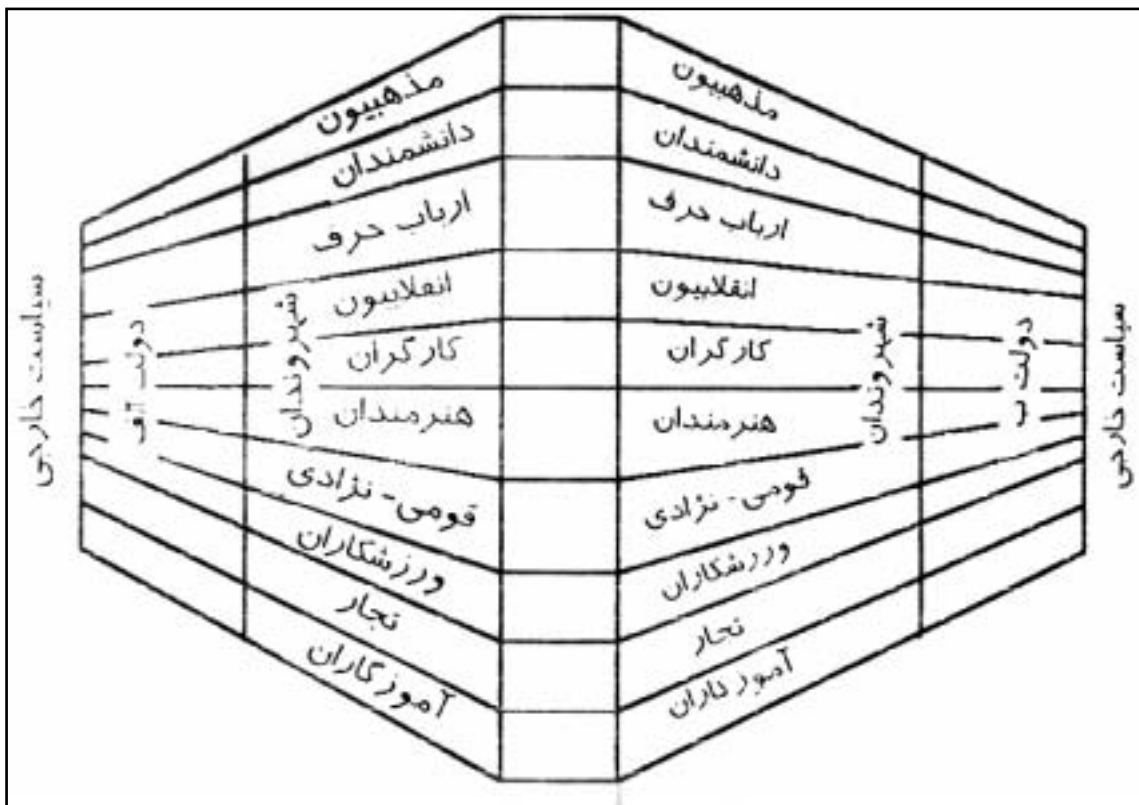
این دو محقق در خصوص تأثیر اول اعلام می‌دارند که تعاملات میان ملتی از هر نوع می‌تواند مروج تغییر ایستارها و گرایش‌ها در میان شهروندان باشد که این امر قطعاً آثاری برای سیاست‌های دولت خواهد داشت. در شرایط تعاملات میان ملتی، امکان ظهور عقاید جدید یا تغییر عقاید و برداشت‌های سنتی نزد نخبگان و غیرنخبگان جامعه وجود دارد که این تغییرات می‌تواند در تحولات سیاسی یک نظام سیاسی مؤثر باشد.<sup>۱۱</sup> یعنی برخی از ورودی‌ها ممکن است به علت ماهیت مختل کننده خود، نظم نهادینه را در حوزه‌های مختلف فکری، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی برهم زنند.

ویلیام والاس در کتاب خود تحت عنوان سیاست خارجی و پویای سیاسی اعلام می‌دارد که روابط سیاسی میان کشورها منحصر

جان، اف، فریموند<sup>۲</sup>، مارسل مر<sup>۴</sup>، فیلیپ بریارد<sup>۵</sup>، نای و کوهن<sup>۶</sup>، ویلیام والاس<sup>۷</sup>، جادویک اف. آلجر<sup>۸</sup>، روتر و کم‌باکو<sup>۹</sup>، از جمله محققان روابط بین الملل هستند که ضرورت توجه به حوزه روابط میان ملتی را در مطالعات روابط بین الملل مورد تأکید قرار داده‌اند.

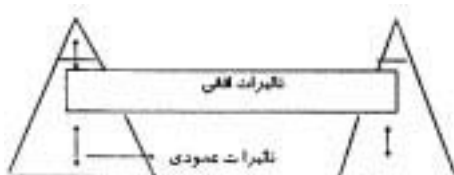
جوزف نای و رابرت کوهن، مانند ماکس گونل، حوزه وسیعی را برای روابط میان ملتی در نظر می‌گیرند. آنها گذشته از روابط شهروندان و بخش خصوصی دو کشور، رابطه میان بخش خصوصی یک کشور و بخش دولتی کشور دیگر را به لحاظ این که یکی از طرفین دولت نیست، یک رابطه میان ملتی می‌دانند. نمودار نای و کوهن این دیدگاه را بهتر عرضه می‌دارد.<sup>۱۰</sup>

نای و کوهن از اثرگذاری روابط میان ملتی بر حوزه روابط بین الملل صحبت می‌کنند و به پنج تأثیر مهم اشاره دارند؛<sup>۱</sup> تغییرات ایستاری و گرایش‌ها نزد ملل؛<sup>۲</sup> تحقق چندگرایی (پلورالیزم) بین المللی؛<sup>۳</sup> گستردگی روزافزون وابستگی و وابستگی متقابل دولت‌ها و افزایش ضرورت‌هایی که دولت‌ها را به سوی این



يك از بخش‌های فوق‌الذکر برای خویش يك سیاست خارجی خاص تبیین می‌کند.<sup>۱۴</sup> (نمودار صفحه بعد)

در میان محققانی که به بحث پیرامون آثار روابط میان‌ملتی بر جوامع مختلف می‌پردازند، کارل کایزر جای ویژه‌ای دارد. وی ابتدا جامعه‌ای را با عنوان جامعه میان‌ملتی (Société Trans-nationale) که قابل تفکیک از سایر بخش‌های جامعه می‌باشد، تعریف می‌کند و ویژگی آن را وجود حالت تعامل در يك حوزه خاص مثل هنر، علم، ورزش بین بخش‌های جوامع در نظام‌های سیاسی مختلف می‌داند.

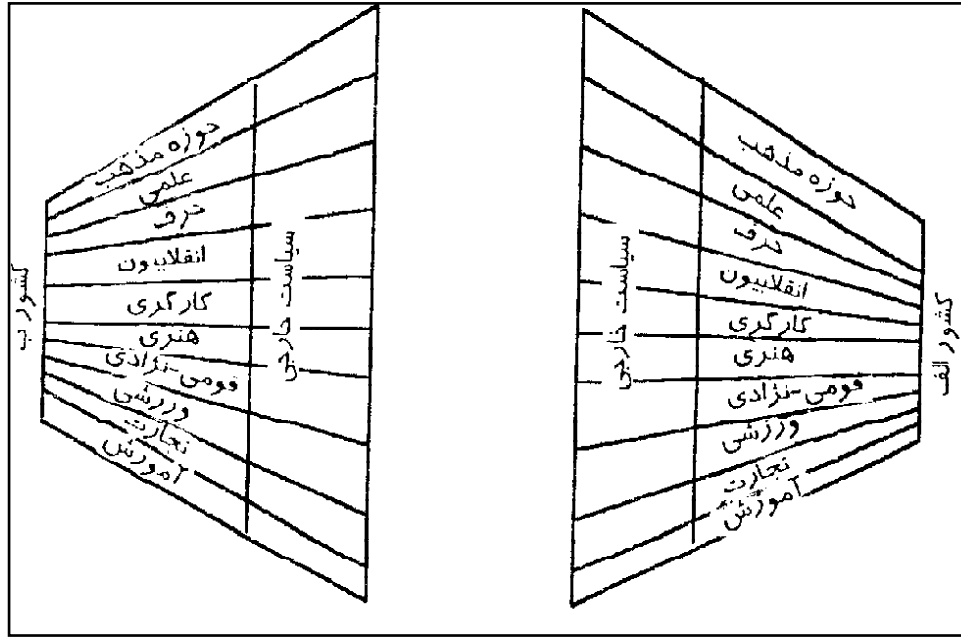


وی در این جامعه به دو رشته تأثیرات اشاره می‌کند، تأثیرات افقی (Horizontal Interaction) (hi) که در درون خود جامعه میان‌ملتی شکل می‌گیرد و بخش‌های متعامل بر یکدیگر اثر می‌گذارند، و تأثیرات عمودی

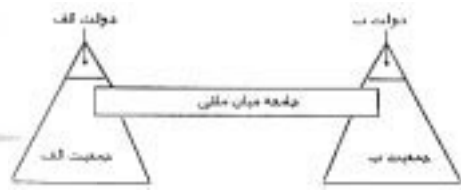
به روابط میان دولتها نیست و رسانه‌های عمومی مدرن يك فرهنگ بین‌المللی مشترك در میان ملل مختلف ایجاد کرده‌اند که بسیاری از گروه‌ها در میان شهروندان، بدون اطلاع یا حتی موافقت دولت‌های خود در تعامل با بخش‌های همتای خویش در سایر کشورها قرار دارند.<sup>۱۲</sup> چادویک. اف. آلجر در مقاله خود به تحلیل عناصر مؤثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و نقش بخش‌های مختلف مانند بخش‌های کارگری، تجاری، کشاورزی، دامداری، مذهبی و زنان را در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا مورد تحلیل قرار می‌دهد. آلجر اظهار می‌دارد این بخش‌ها که می‌کوشند الیت تصمیم‌گیر و مسئول را تحت تأثیر قرار دهند، از طریق سازمان‌های غیردولتی و طرق دیگر در ارتباط و تعامل با بخش‌های همتای خود در سایر نظام‌های سیاسی هستند.

آلجر در زمینه بازتاب روابط میان‌ملتی بر سیاست خارجی دولت‌ها، نمودار بالا را ترسیم می‌کند:<sup>۱۳</sup> وی در نمودار بعدی مدعی می‌شود که هر

○ بازیگران غیردولتی  
سخت بر تعاملات میان  
ملتها و دولتها اثر می گذارند  
و گسترش روزافزون  
فعالیت آنها خبر از نظام  
بین المللی تازه ای می دهد  
که در آن صرفاً دولتها  
نقش آفرین نیستند.



(Vertical Interaction = vi) که اشاره به  
تأثیرات دولت و سایر بخش ها و اثرپذیری آنها  
از جامعه میان ملتی دارد.



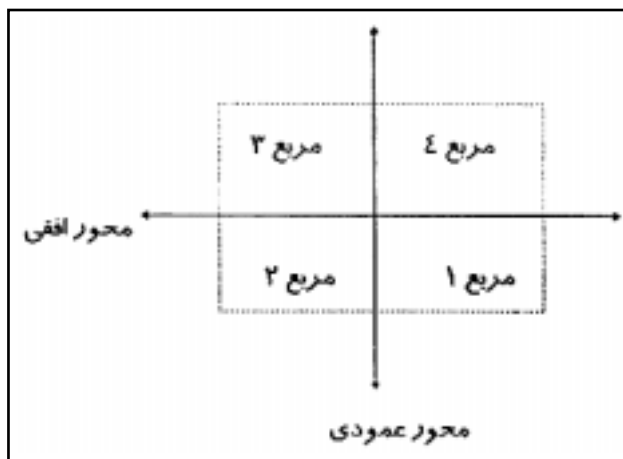
**نگاه مؤلف به موضوع:**

به نظر نویسنده مقاله، عناصر متعدد از جمله عوامل فرهنگی و اعتقادی در يك جامعه، نقش مهمی در توسعه روابط میان ملتی بازی می کنند و در کنار این عوامل باید دو متغیر مهم را نیز لحاظ کرد. متغیر اول عبارت از میزان آزادی های داده شده از سوی دولت به بخش خصوصی است. به عبارت دیگر، درجه خودمختاری و استقلال يك بازیگر بخش خصوصی در جامعه نقش تعیین کننده ای در میزان توسعه روابط میان ملتی دارد. در همین زمینه، شدت و ضعف نقش مداخله گر و تنظیم کننده دولت نیز متغیر دیگری است که روند روابط میان ملتی را تحت تأثیر قرار می دهد. به طور خلاصه، درجه استقلال و خودمختاری بخش خصوصی از يك سو و شدت و ضعف نقش تنظیم کننده دولت (régulateur) از سوی دیگر، که در مقابل و تقریباً تضاد با

کایزر در این رابطه فرمولی عرضه می کند که براساس آن، میزان حساسیت و مشارکت يك دولت در سیاستگذاری میان ملتی (Transnational Politics = TP)، حاصل ضرب میزان تعاملات افقی و عمودی خواهد بود.<sup>۱۵</sup>

$$TP = hi.vi$$

کایزر از اشکال مختلف روابط میان ملتی و اثرگذاری یکسویه و چندسویه نیز صحبت می کند و سرانجام مدلی را با عنوان مداخله و حضور مستقیم برخی از دولت ها در جامعه میان ملتی مطرح می سازد. وی ارتباط مستقیم حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق با احزاب کمونیست کشورهای مختلف را نمونه ای از مداخله و حضور مستقیم يك دولت در جامعه میان ملتی برمی شمارد.<sup>۱۶</sup>



○ روابط سیاسی میان کشورها به روابط میان دولت‌ها محدود نمی‌شود؛ رسانه‌های عمومی مدرن گونه‌ای فرهنگ بین‌المللی پدید آورده‌اند که بر پایه آن بسیاری از گروه‌ها در میان شهروندان، بدون موافقت یا حتی اطلاع دولت‌هایشان، در تعامل با بخش‌های همتای خود در دیگر کشورها قرار می‌گیرند.

درون‌گرا بودن جامعه تأکید می‌کند در این گروه قرار می‌گیرند؛ یعنی مردم تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات نهادینه خود، هیچ‌گونه میلی به ایجاد ارتباط با سایرین ندارند و آرامش موجود را بر خطر احتمالی دگرگونی‌های آتی ترجیح می‌دهند.

در مربع سوم نظام‌هایی قرار دارند که اقتدارگرا شمرده می‌شوند، زیرا دولت تا اندازه زیادی در تنظیم نوع و سطح تعاملات میان ملت‌های مداخله می‌کند و مانع افزایش میزان استقلال و خودمختاری بخش خصوصی می‌شود. نظام‌های کمونیستی معمولاً در این گروه قرار می‌گیرند.

مربع چهارم حکایت از نظام‌های متعادلی دارد که بخش خصوصی، ضمن برخورداری از استقلال کافی و شوق لازم برای تعاملات میان‌ملتی، ورودی‌های مختلف را در درون خود جذب و هضم می‌کند و با خودآگاهی و خودباوری، از خدشه‌دار شدن وحدت ملی جلوگیری می‌کند و به حوزه امور انحصاری دولت نیز نزدیک نمی‌شود. دولت هم به نوبه خود از اقتدار لازم برخوردار است و بعنوان قاضی و ناظر نهایی مانع از تأثیرگذاری ورودی‌های آشوب‌ساز و مختل‌کننده می‌گردد. دولت در این نظام‌ها می‌کوشد ضمن حفظ آزادی‌های فردی، تعادل نظام را حفظ کند. کشورهای اروپای غربی که دموکراسی در آنها در یک فرایند زمانی طولانی نهادینه شده است در جرگه این گروه از کشورها قرار می‌گیرند.

امروزه در عصر جهانی شدن حوزه‌های

یکدیگر قرار دارند، در گسترش یا تحدید روابط میان ملت‌ها مؤثر هستند.

در این رابطه، می‌توان با استفاده از دو محور افقی و عمودی، مربع‌های چهارگانه زیر را ترسیم کرد. محور افقی از میزان خودمختاری و استقلال بخش خصوصی در یک جامعه حکایت می‌کند و محور عمودی شدت و ضعف نقش مداخله‌گر و تنظیم‌کننده دولت را نشان می‌دهد.

طبق نمودار، مربع شماره یک، جوامع کاملاً بازی را ترسیم می‌کند که بخش خصوصی بدون کنترل و نظارت دولتی به صورت کاملاً مستقل در حوزه‌های مربوطه در تعامل با بخش‌های همتای خویش در کشور دیگر قرار می‌گیرد. عدم مداخله دولت در این گونه نظام‌ها می‌تواند ناشی از علل مختلف باشد. از یک سو ممکن است یک نظام سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی به قدری به غنای مؤلفه‌های خود مطمئن باشد که از نفوذ ورودی‌های متنوع در نظام خود، هراسی به دل راه ندهد یا اساساً تعامل را موجب غنای بیشتر نظام تلقی کند؛ از سوی دیگر ممکن است تسلیم شدن یک دولت در برابر موج تعاملات میان‌ملتی ناشی از ضعف درونی دولت و ناتوانی آن در جلوگیری از تعاملات باشد.

نظام‌هایی که در مربع شماره ۲ جای می‌گیرند به درون‌گرا و بسته تعبیر می‌شوند که نه شهروندان نیازی به تعاملات میان‌ملتی احساس می‌کنند و نه دولت ضرورتی برای نقش‌آفرینی در جهت تنظیم یا تحدید تعاملات می‌بیند. معمولاً جوامعی که ایدئولوژی حاکم در آنها بر بسته و



○ عناصر گوناگون از جمله عوامل فرهنگی و اعتقادی در يك جامعه نقش چشمگیری در گسترش روابط میان ملتی بازی می کنند. در کنار این عوامل، دو متغیر مهم را نباید از نظر دور داشت: درجه استقلال و آزادی عمل بخش خصوصی؛ نقش تنظیم کنندگی دولت.

S.NYE, «Transnational Relations and World Politics» Harvard University Press., Cambridge, Massachusetts, 1972.

7. Willam WALLACE, «Foreign Policy and the Political Process» The Macmillan Press, L.T.D. 1971. London. p. 53.

8. Chadwick. F. ALGER, «Foreign Policies of US Publics». pp. 198-211. **International Studies Quarterly**, Vol. 21. N°2. (International Studies associations, Sage) 1977.

9. Paul REUTER et Jean Combacau, «Institutions et Relations Internationales» P.U.F. 1980, Paris, p. 26.

۱۰. البته نای و کوهن در نمودار خود جای سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را پیش‌بینی نکرده‌اند، در حالی که این سازمان‌ها امروزه جای ویژه‌ای در معادلات بین‌المللی دارند و نقش فعالی در این معادلات بازی می‌کنند.

11. Robert. O. KEOHANE and Joseph. S.NYE. «Transnational Relations...» Op.Cit. p.XVII.

12. William WALLACE, «Foreign Policy...» Op.Cit. p. 58.

13. Chadwick, F. ALGER, «Foreign Policies of US...» Op. Cit. p. 203.

14. **Ibid.** p. 205.

۱۵. به نظر نگارنده از این فرمول نمی‌توان استفاده علمی و کاربردی کرد زیرا تبدیل متغیرهای کیفی (مانند میزان تعاملات افقی یا عمودی) به کمی کار چندان ساده‌ای نیست.

16. Karl KAISER, «La Politique Transnationale, Vers une théorie de la Politique multinationale», Collection des articles, Par Philippe BRAILLARD, «Théorie des Relations...» Op. Cit. p. 246.

مختلف بشری، قطعاً کشورهایی که در مربع اول و چهارم جای می‌گیرند بهتر از دیگران می‌توانند خود را با شرایط جدید بین‌المللی هماهنگ سازند. ولی نظام‌هایی که مدعی یا خواهان طبقه‌بندی شدن در گروه کشورهای مربع اول یا چهارم هستند باید با برنامه‌ریزی حساب شده، درازمدت و پرهیز از شعارگرایی، ضمن جلابخشیدن به ارزش‌های سنتی خود و عرضه آن در قالب مفاهیم جدید، بکوشند به ابزارهای نو برای ورود به عرصه تعاملات میان‌ملتی و میان‌تمدنی مجهز گردند تا ناخودآگاه به‌جای نیک‌گزینی، راه‌بدگزینی در پیش نگیرند و طعمه زرق و برق فرهنگ‌های بیگانه نشوند.

#### زیرنویس:

1. Marcel MERLE, «Sociologie des Relations Internationales» Dalloz, 1982, Paris, p.201.

2. Max GOUNELLE, «Relations Internationales» Dalloz, 1992, Paris, p.7.

3. Jean, F. FREYMOND, «Rencontres de Cultures et Relations Internationales», «Culture et Relations Internationales» N°24, hiver, 1980. pp.401-413.

4. Marcel MERLE, «Sociologie des...» Op.Cit. p. 201.

5. Philippe BRAILLARD «Théories des Relations Internationales» Presses universitaires de France, 1972. Paris, p.121.

6. Robert. O. KEOHANE and Joseph,